

روش کار من. توماس مان. ترجمه شهرام صحاوی

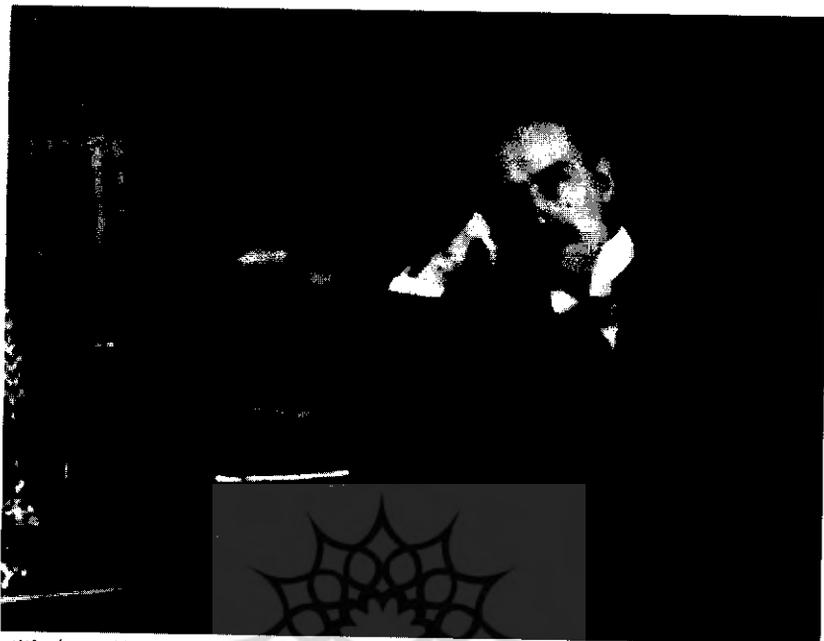
۷۳

من هرگز هیچ یک از دست نوشته های بلند خود را بازنویسی ننموده‌ام و نه حتی آنها را در معرض بازبینی قرار داده‌ام، لیک همواره همان نسخه اولیه را برای چاپ ارسال نموده‌ام.

حروفچین هانیز تاکنون بدون استثناء بخوبی از عهده کاربر آمده‌اند. دیکته گفتن برایم توام با اکراه است. دیرزمانی است که تلاش می‌کنم لااقل مکتوبات خود را با همین روش سروسامان دهم، اما بارها و بارها از این کار منصرف شده‌ام. برایم نقش ابزاری انسان قابل قبول نیست. زمان کار من پیش از ظهرها و صبحگاهان است. من شیفته این کلام گوته هستم:

«هر روز پیش از طلوع روز دیگر از کرامت الهی برخوردارم! پس ارزش والای همت مردانه خود را در جسمی دیگر معتنم شمار.»
با این وجود اذعان دارم که ضرورت دست کشیدن از کار در شب، که از ایام جوانی بدان اهتمام داشتم، برایم تکدر خاطر به همراه داشت. برایم عادت شده است که در اتاق کارهایم را بنویسم. فضای باز به گمانم افکار را در هم می‌ریزد.

در تابستان حداقل چیزی که نیاز دارم غنودن زیر سقف یک آلاچیق، یک رواق، یک سرپناه، به اعتباری فضای کارم را بهبود



توماس مان، بهشت میز کارش در برلین، ۱۹۱۶.

می بخشد. شاید شما از چگونگی خلق آثارم بپرسید. گاهی به هنگام نوشتن طرح اولیه کارم دچار اشتباه در محاسبه می شدم بخصوص درباره میزان و حجم اثر، برای رمان بودنیروکها دویست و پنجاه صفحه را در نظر گرفته بودم، مرگ در ونیز که نوولی کوچک به سبک سیمپلی سیموس است، کوه جادو که شامل دو مجلد قطور است، و طرحی کوچک از انسان دیوژن است؛ افزایش و گسترده‌گی حجم یک اثر مبتنی بر یک فرآیند دوگانه است، یک مرحله تکوین درونی و ذاتی و یک فرآیند تبلور و تأثیرپذیری از جهان خارج. عمیق ترین دلیل شاید عشق و اشتیاقی است که هر بار در من غلیان می یابد. احساس من این است که آنان ناتمام و

من شیفته این کلام گوته هستم: «هر روز پیش از طلوع روز دیگر از کرامت الهی برخوردارم! پس ارزش والای همت مردانه، خود را در جسمی دیگر معتنم شمار.» با این وجود اذعان دارم که ضرورت دست کشیدن از کار در شب، که از ایام جوانی بدان اهتمام داشتیم، برایم تکدر خاطر به همراه داشت. برایم عادت شده است که در اتاق کارهایم را بنویسم. فضای باز به گمانم افکار را درهم می ریزد.

قرین قصور می باشند.

این اشعار پیداتن:

هرگز انسان قادر نخواهد بود، حتا هر آنچه که در توان دارد بکار بندد.

حتابه هر میزان که جسور باشد، به تکامل مطلق دست یابد،

و هر آنچه را که او می آغازد، به سر منزل مقصود نخواهد رسید،

گل‌های پرپر یک تاج گل؟

همواره وجودم را البریز می سازد. این کشمکش بر سر ارایه اثری کامل احتمالاً چیزی نیست

جز حس هراس از مرگ. ♦♦♦



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروژه کاغذم انسانی
مکان جامع علوم انسانی